

تحولات سیاسی و اجتماعی شوشتر در عصر قاجاریه

مسعود ولی عرب^۱

چکیده

در شوشتر دوره قاجاریه بنا به اظهارات مورخان و جهانگردان اروپایی که به این شهر سفر می‌کردند. در دوره قاجاریه، اوضاع اجتماعی و تأمین امنیت در شوشتر، غیرقابل تحمل می‌شده است. شوشتر شامل دو محله بزرگ، به نام‌های ۱. «دستووا» که محل استقرار خان (کلانتر) و معروف به (نعمت‌خانه) و ۲. «گرگر» که محل استقرار خان مرعشی (حیدرخانه) بوده است و همیشه میان این دو محله درگیری و خصومت وجود داشته است. فشارهای مالیاتی حاکمان قاجاریه نیز، از عوامل اختلاف و درگیری در شوشتر بوده است، همچنین بیماری‌های واگیردار همچون طاعون و وبا. در این دوره در شوشتر به وقوع پیوست که این عوامل بیش از هر چیز دیگر در افول وضعیت سیاسی - اقتصادی - اجتماعی شوشتر در این دوره تأثیر گذار بوده است. در این پژوهش برآنیم که اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی شوشتر در دوره قاجاریه را بررسی کنیم.

واژه‌های کلیدی: شوشتر، دوره قاجاریه، درخزینه، امتیاز کشتیرانی، امتیاز نفت.

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز M.valiarab@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۸/۰۱

مقدمه

شوشتر در استان خوزستان و در جنوب غربی کشور قرار گرفته است. امروزه شوشتر تنها به شهری کوچک در استان خوزستان اطلاق می‌شود؛ این در حالی است که در گذشته منطقه شوشتر با مرکزیت شهر شوشتر شامل پهنه وسیعی از استان بوده که قسمتی از دامنه رشته کوه‌های زاگرس در شمال استان خوزستان ایران را شامل بوده است. در روزگار صفویه شوشتر و دزفول را خوزستان، و هویزه و بنادر تا دورق را عربستان می‌نامیدند و رامهرمز، بهبهان و بختیاری جزو کهگیلویه بودند. منطقه شوشتر همواره تحت فرمان حکومت مرکزی بوده و حاکم آنجا توسط شاه تعیین و در قلعه معروف سلاسل، در شهر شوشتر ساکن بوده‌اند.

حکومت خاندان واخوستی خان (۱۰۴۰-۱۱۶۷ هـ. ق) از خاندان‌های مهم و تاثیرگذار به شمار می‌رفته‌اند و به رونق کشاورزی و عمران شوشتر توجه داشته‌اند در این دوره محله‌های جدیدی ساخته و روستاهای نو، احداث گردید. به تدریج پس از زوال دولت صفویه حکومت این خاندان که دستخوش درگیری‌های شیوخ عرب و بختیاری و همچنین دستخوش منازعات بین محله‌های حیدری و نعمتی شده بود رو به زوال رفت و با آمدن نادرشاه افشار و تأسیس سلسله افشاریه حکومت این خاندان که تضعیف شد و در دوره زندیه، پس از صد و بیست سال از بین رفت.

در این تحقیق به دنبال این سؤال هستیم که چه عواملی موجب گردید مردم شوشتر از این شهر مهاجرت نمایند؟ و چرا امتیاز کشتیرانی در شوشتر باعث تحول در این شهر گردید؟ چه دلایلی وجود داشت که خاندان‌های محلی در شوشتر، در دوره قاجاریه به آبادانی و عمران شهر اهمیت چندانی ندهند؟ فرضیه ما این است که خاندان‌های معتبر و گرانقدر و اصیل شوشتر در جریان فتنه‌های داخلی از این شهر مهاجرت نمودند، علاوه بر آن، بیماری‌های واگیردار همانند وبا، طاعون و... در نابودی





و کوچ اجباری ساکنان فرهنگ دوست شوشتر تأثیرگذار بود. همچنین فشارهای مالیاتی حاکمان منصوب قاجاریه، باعث گریز ثروتمندان و دولتمندان شوشتر به سایر شهرهای ایران و هندوستان (از جمله حیدرآباد، کلکته، بمبئی و...) و بصره و کربلا و نجف می‌شد. دیگر عامل تأثیرگذار، امتیاز کشتیرانی به انگلستان بود که کمپانی لنچ دفاتر خود را در شهر ناصری (اهواز) دایر کرد و موجبات توسعه بیشتر اهواز و رونق گرفتن این شهر گردید. دیگر عامل تأثیرگذار، امتیاز نفت بود، این امتیاز در کاهش جمعیت فعالان اقتصادی شوشتر تأثیر گذار بود. توسعه شهرهای نفتی مانند مسجدسلیمان، آبادان، اهواز، و ... باعث افول اقتصاد شوشتر گردید؛ زیرا بسیاری از فعالان اقتصادی در شوشتر جذب شرکت نفت ایران- انگلستان به عنوان کارگر ساده می‌شدند. دلایل دیگری نیز وجود دارد از جمله ° حذف شهر شوشتر از مسیر خط راه آهن (تهران- اهواز- خرمشهر) و مهاجور ماندن از ترانزیت اصلی کشور و ضربه آخر را به شوشتر، تغییر حاکم نشین خوزستان از شهر شوشتر به اهواز گردید.

جمعیت شوشتر در دوره قاجاریه

جهانگردان متعدد نظریات متفاوت راجع به عده جمعیت این شهر اظهار کرده‌اند. در سال ۱۸۳۶ چزنی گزارش داده بود که ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ خانوار و ۲۰/۰۰۰ نفر جمعیت دارد. در همان سال رالینسن عده جمعیت را ۱۵۰۰۰ نوشت. در ۱۸۴۱ م دوبرود همه جمعیت آنجا را ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ ثبت کرد. در سال بعد سلبی ۸۰۰۰ و لیارد ۱۰/۰۰۰ را رقم احتمالی ذکر کرده‌اند و این عده در مساحتی پراکنده‌اند که گنجایش پنج برابر جمعیت را داراست، ولی همه این وسعت سراسر ویرانه است. در سرزمینی که به مناسبت شهرهای معدوم و یا نیمه خراب شهره است و دسته‌های عظیمی از افراد یا ترک دیار نموده و یا دچار انحطاط شده‌اند شوشتر مقام خاصی دارد. خانه‌های آباد سابق، اینک به صورت خرابه‌های آجری درآمده است و بناهایی که هنوز مسکون است



وضع خاصی بین عمارت و ویرانی دارد و مثل این می ماند که شهری نفرین شده است و به گفته یکی از شعرا شهر شب های مخوف است. بیشتر نویسندگان هم در این قول اتفاق دارند که این ویرانی و انحطاط عجیب چندان ناشی از قهر و غضب طبیعت نبوده است، بلکه ظلم و بدرفتاری فرمانداران آن حدود و سامان را به این وضع فلاکت بار انداخته است. مأمورانی که به این ولایت دورافتاده رفته اند؛ هیچ گاه از ظلم و دست درازی بمال خلق دریغ ننموده اند. (کرزن، ۱۳۸۰: ۴۴۲/۲-۴۴۳)

بیماری های مردم شوشتر در دوره قاجاریه

در سال ۱۸۳۱، مرض طاعون/۱۲۴۷ هـ. ق در شوشتر راه یافت و در گوشه و کنار این ولایت، عده کثیری را تلف کرد، و در سال ۱۸۳۱ میلادی به قول لرد کرزن، طاعون و وبای شدیدی به شوشتر آمد و قریب ۲۰ هزار نفر را ب خاک سپرد. (راوندی، ۱۳۸۲: ۴۴۰/۵؛ کرزن، ۱۳۸۰: ۱۲۶/۱) علاوه بر طاعون و وبا، حکام و مأمورین دولتی ایران که از گرگ گرسنه خونخوارترند، مردمان بدبخت را بروز سیاه نشانده اند. کسروی نیز درباره طاعون خوزستان در سال ۱۲۴۷ هجری (۱۸۳۱ میلادی) می نویسد، گروه انبوهی از مردم آنجا از عرب و عجم را نابود ساخت، و بسیاری از آبادی ها از مردم تهی شد. در شهر شوشتر، سه چهارم اهالی از بین رفتند. (کسروی، ۱۳۸۴: ۱۷۸) در شهر شوشتر یک نیمه بیشتر شهر از گزند آن طاعون ویرانه گردیده که هنوز هم ویران است. (کرزن، ۱۳۸۰: ۴۶۵/۲)

نظام السلطنه مافی که یکی از معدود حکمرانان نیک سرشت شوشتر در دوره قاجاریه بود. وی درباره شیوع مرض وبا، در محرم سال ۱۳۰۷ هـ. ق در شوشتر می نویسد: «عاشورا بود و صبح ها اول طلوع در سایه پل روضه خوانی داشتیم. دو ساعت از دسته گذشته، در مجلس چهار پنج نفر از شدت حرارت غش می کردند. خودم دو دفعه غش کردم. هرچه حاجی سید عبد الصمد و سایر علما می آمدند می گفتند، این توقف

شما در اینجا مهلك است، قبول نمی‌کردم. ساعد السلطنه در خانه میرزا اسد الله خان بود.. شب‌ها تا صبح سه چهار دفعه بیدار می‌شدم، ملاحظه آب را می‌کردم که مبادا در سرحدات بارانی باریده باشد و زیاد بشود. در این بین، ناخوشی و با بروز کرد به قسمی که علما و سادات و اهالی شوشتر متفرق شدند». (نظام السلطنه مافی، ۱۳۶۲:

(۱۵۸/۱)

محلات شوشتر در دوره قاجاریه

ناآرامی‌های متعدد شهری به صورت گوناگون رخ می‌داد. این ناآرامی‌ها اغلب تجلی نارضایتی عمومی از مقام‌های ایالتی بر سر مسائلی همچون مالیات اضافی، قیمت بسیار زیاد مواد غذایی، کمبود نان، حکام و والیان منفور و... بود. (فوران، ۱۳۸۸: ۲۳۸) قاجارها با حفظ توازن ظریف و تحریک ماهرانه تعصبات قومی، امنیت خود را تأمین می‌کردند. آن‌ها در اغلب مناطق می‌توانستند با ایجاد تفرقه داخلی یا برانگیختن رقبای موجود، مخالفان را سرکوب کنند. (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۳۹-۴۰) در این دوره شهرها به محله‌هایی تقسیم می‌شدند که هر کدام یک کدخدا (خان) داشتند. او نماینده محله در ارتباطات با دنیای خارج^۵ به ویژه محلات همجوار و دولت^۶ محسوب می‌شد و در دعاوی داخلی واسطه می‌شد و مالیات‌ها را جمع‌آوری می‌کرد. کدخدا (خان) فعالیت‌هایش را با متنفذان و اعیان محله، قاضی شهر، امام جمعه، شیخ الاسلام، محتسب و... هماهنگ می‌نمود. (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۶۲)

محلات (شوشتر) دستوا که نعمتی خانه‌اش نیز گویند نه محله کما فصلت: موکھی، سید صالح، دکان سید، سید محمد شاه، میدان شیخ، دکان شمس، سادات، کاکا عیدی (که‌که عیدی)، کوزه‌گران (کیزه بناران)؛ اعظم محلات گرگر که حیدری خانه‌اش خوانند هفت محله کما فصلت: عبدالله بانویه (عبونو)، شاه زید، سید قاسم، اشکفتیان، قبلی، طراحیان، دروازه، و محلاتی که قریب به دروازه عسگرند آن‌ها را دستوا و آنچه



که قریب به دروازه گرگرند، گرگر خوانند. (جزایری، ۱۳۸۸: ۹۹؛ شوشتری، ۱۳۶۳: ۵۸؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۶۹۲/۱) همچنین لایارد در گزارش خود می‌نویسد: «شوشتر به دوازده محله تقسیم می‌شود که بعضی از آن‌ها تقریباً نیمه ویران و مخروبه‌اند». (لایارد، ۱۳۶۷: ۷۲) برپایه گزارش‌های موجود، در میان عمال شوشتر میرزا سلطان علی خان از همه پرنفوذتر بوده است. دوبد هنگام اقامتش در شوشتر مهمان او می‌شود و درباره‌اش چنین می‌نویسد: «به منزل سلطان علی خان بزرگ یکی از خاندان محلی شوشتر و یکی از احفاد امامان مقدس محمدی هدایت شدم. میرزا سلطان علی خان نفوذ زیادی میان اعراب بیابانگرد داشت». (دوبد، ۱۳۷۱: ۳۳۵-۳۳۶) (اهل این شهر که چون اهالی سایر بلاد منقسم به حیدری و نعمتی بودند. (افشار، ۱۳۸۲: ۵۶؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۶۹۲/۱)

کشمکش میان عمال محله‌ها از یک‌سو و از سوی دیگر فشارهای مالیاتی حکمرانان که به دستگیری همین عمال صورت می‌گرفت، عامل‌هایی هستند که بیش از هر چیز دیگر در تصور وضعیت طبقه عامه می‌توانند ما را یاری کنند. لایارد در ادامه گزارشش می‌نویسد: «هرکس بعد از نیمه‌شب از خانه‌اش بیرون می‌آمد به قتل می‌رسید. این عداوت و دشمنی خانوادگی سبب شد که بیش‌تر سکنه خانه‌های خود را ترک نمایند، لذا شوشتر به یک شهر نیمه‌متروکه‌ای مبدل شده بود». (لایارد، ۱۳۶۷: ۲۹۳) او نیز که شاهد فشارهای مالیاتی و اوضاع پریشان شهرهای آن روز خوزستان بوده است، می‌نویسد: «اهالی این شهر [شوشتر] به شدت در زیر فشار و ستم خوانین محلی و حکام دولتی قرار دارند. غیر ممکن است که بتوانم صحنه‌هایی را که در خلال چند ماه اقامتم در خوزستان دیده‌ام، توصیف کنم. من هر روز شاهد غارت خانه‌ها، آتش‌زدن محصولات و خرمن‌ها و ویرانی روستاها بودم. افراد متنفذ محلی هر روز رعایا را مورد تعدی و شکنجه قرار می‌دادند و به طور کلی آن‌ها را از هستی ساقط

می‌کردند. گاهی بازار بسته می‌شد. مردم جرأت ظاهر شدن در کوچه و خیابان‌ها را نداشتند». (لایارد، ۱۳۶۷: ۷۵) بس روشن است که این گزارش‌ها چنان گویای اوضاع طبقه عامه می‌باشند که ما را از هرگونه توضیح دیگری بی‌نیاز می‌کنند. (افشار، ۱۳۸۲: ۵۷؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۱/۶۹۳)

حوزه حکمرانی شوشتر در دوره قاجاریه

قلمرو حکومتی و مناطق تابعه شوشتر یعنی بهترین بخش‌های استان سوسیانا به وسیله چهار رودخانه بزرگ و تعدادی رودخانه کوچک که در آن مناطق جریان دارد آبیاری می‌شود. این سرزمین حاصل‌خیز و ثروتمند که یکی از منابع مهم تولید برنج و غله کشور ایران به حساب می‌آمد اینک به صورت سرزمینی متروکه و خالی از سکنه درآمد، و تنها نشانه‌هایی از آبادانی و کشاورزی در حوالی بندقیر، دزفول، و ... به چشم می‌خورد. کروسینسکی که در فوریه ۱۸۱۰م که از خوزستان دیدن کرده است می‌نویسد: «بخش‌های شرقی شوشتر یعنی مناطقی به طول شصت مایل از شهر تا دره رامهرمز و حتی بخش‌هایی بین بندقیر و دزفول (همانطوری که گفته‌ام یکی از پربارترین و حاصلخیزترین زمین‌های کشاورزی این منطقه)، و در تیول صاحب‌منصبان دولتی و متمولین شوشتر قرار داشت. بی‌گلبیگی شوشتر مالیات بسیار سنگینی از کشاورزان و زمین‌کاران این منطقه با خشونت دریافت می‌نماید با این ترتیب سکنه بدبخت خوزستان گاهی چشمان خسته خود را به غل و زنجیر حاکم می‌دوزند، زمانی هم نگاه‌های فرسوده خود را متوجه کیسه‌های خالی و دهات متروکه خود می‌نمایند». (کروسینسکی، ۱۳۶۹: ۳۳۲-۳۳۸)

در میان طبقه اشراف رقابت و کشمکش شدیدی وجود داشت که در گزارش‌های موجود بازتاب گسترده‌ای یافته است و خود عامل بسیار از رویدادهای تاریخ این مردم می‌باشد. تضاد یاد شده چنین توصیف شده است: «سکنه شوشتر تحت رهبری



رؤسا و خوانین هستند. اینان اغلب با هم اختلاف دارند و در نتیجه این اختلافات منجر به جنگ و خونریزی می‌شود. تمام خوانین با هم رقابت می‌ورزند و حکمران دولتی نیز آنان را علیه همدیگر تحریک می‌کند. خوانین دزفول هم مانند شوشتر هر یک می‌توانند تعداد کمی مرد مسلح بسیج کنند و هر کدام در محله خود از اختیارات نامحدودی برخوردار هستند اینان همیشه با هم اختلاف دارند و بطور دائم هر روز آرامش شهر را به هم می‌زنند. (لایارد، ۱۳۶۷: ۷۳-۷۴) از آنجا که گرایش‌های مذهبی در شهرهای شمال خوزستان، به‌ویژه در شوشتر و، پیشینه‌ای دراز دارد، قشر علما همواره صاحب نفوذ بوده‌اند و به صورت دودمان‌های بزرگ و برجسته - دودمان سادات جزایری در شوشتر در جریان‌های تاریخی دست داشته‌اند. لایارد نفوذ این طبقه را بهتر از هر گزارشگر دیگری توصیف کرده است: مردم شوشتر از نظر مذهبی متعصب‌اند و سرسختانه به مسائل دینی و عقیدتی تظاهر می‌کنند. (لایارد، ۱۳۶۷: ۷۵) «سید» در بین آنان از نفوذ و احترام فوق‌العاده‌ای برخوردار است. اینان به اصول اخلاقی و معنویات پای‌بندند ... در کنار خوانین و رجال سیاسی تعدادی نیز سید و شخصیت‌های متنفذ روحانی وجود دارد؛ با این‌که این روحانیون در دسته‌بندی‌ها شرکت نمی‌کنند، لیکن در حقیقت هر کدام به وسیله یکی از این خوانین حمایت و پشتیبانی می‌شوند. (لایارد، ۱۳۶۷: ۷۶؛ افشار، ۱۳۸۲: ۵۶)

والیان و حاکمان شوشتر در دوره قاجاریه

در اوایل قاجاریه والی شوشتر میرزا ابوالحسن خان شیرازی بوده است. او که به سال ۱۱۹۰ در شیراز تولد یافته پسر دوم میرزا محمد علی یکی از منشیان دستگاه نادر شاه بوده، این پادشاه سخت‌کش بیرحم همان روزی که شب‌در سال ۱۲۱۵ که فتحعلی شاه حاجی ابراهیم را از صدارت به زندان انداخت و بستگان او همه یا اسیر یا مقتول یا کور و فراری و متواری شدند میرزا ابو الحسن خان هم که حکومت شوشتر را



داشت به اسیری به طهران آورده شد و باینکه شاه می‌خواست او را بکشد به وساطت بعضی از درباریان او را بخشود، ولی میرزا ابو الحسن خان که هنوز بر جان خود می‌لرزید و شاه او را به اقامت در شیراز مجبور کرده بود، به شوشتر و بصره گریخت و از آنجا به مکه رفت و پس از ادای مراسم حج به بصره برگشت و از آنجا به هند رفت، مدتی در کلکته و حیدرآباد و پونه و مرشدآباد و بمبئی روزگار می‌گذاشت تا اینکه در بمبئی فرمانی از شاه دایر به مراجعت او به تهران رسید. (علوی شیرازی، ۱۳۶۳: ۱۲؛ محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴: ۶۸۲/۲)

اقدامات شاهزاده محمد علی میرزا قاجار در شوشتر

محمد علی میرزا حاکم کرمانشاه چهار سال قبل این سد (بند میزان) را تعمیر و بازسازی نمود که هم‌اکنون کامل و قابل استفاده است. آبی که از کانال مصنوعی پشت سد جریان پیدا می‌کند پس از طی مسافتی در نیم مایلی بندقیر به آب دزفول ملحق می‌گردد. بر روی این کانال پلی با قطعه‌سنگ‌های عظیم احداث شده، این پل دارای سی و دو طاق است که در حال حاضر بیست و هشت دهانه آن کاملاً سالم برجای مانده است. (والی‌زاده معجزی، ۱۳۸۰: ۳۸)

به‌طور قطع و مسلم و به تصدیق عموم مورخینی که راجع به قاجاریه مطالبی نوشته‌اند، شاهزاده محمد علی میرزا بعد از عباس میرزا نایب السلطنه بهترین و لایق‌ترین پسران فتحعلی شاه بود. با این‌که فتحعلی شاه حق قانونی و طبیعی او را سلب و به برادر او داد، مع‌هذا او در حوزه حکومت خود از کار دلسرد نشد و در نهایت جدیت و وظایف خود را انجام می‌داد و اوقات خود را صرف خدمت مردم می‌کرد. چند دفعه به دستور او سد شوشتر را بستند و او از کرمانشاه معماران قابل و با اطلاعی را جهت این کار به شوشتر فرستاد و با این‌که سه دفعه فشار آب سد را از بیخ کند، مع‌هذا او از کوشش باز نایستاده تا سد مزبور در کمال استحکام ساخته شد. تاریخ نوبت اول که



سد میزان شوشتر را ساخته ۱۲۲۱ و تاریخ نوبت دوم ۱۲۲۴ و تاریخ نوبت سوم ۱۲۲۷ بوده است و از این اقدامات متوالی که مستلزم صرف مخارج زیاد بوده، خود دلیلی بارز بر جدیت و پشتکار آن شاهزاده عالیقدر در ترقی و آبادی حوزه حکومت خویش و تأمین رفاه و آسایش مردم بوده است. مرگ شاهزاده محمد علی میرزا دولتشاه، ۱۲۳۷ هـ. ق روی داده است. (والی زاده معجزی، ۱۳۸۰: ۳۹)

امیر کبیر و فعالیت‌های کشاورزی در شوشتر

در دوران کوتاه زمامداری او، از برکت امنیت اجتماعی و حمایت دولت از کشاورزان و از بین رفتن آیین سورسات، وضع کشاورزان بهبود یافت. نقشه آبادانی خوزستان، بنای سد ناصری بر رودخانه کرخه، ایجاد پل شوشتر، رواج کشت نیشکر از کارهای دولت امیر است. امیر در نامه مورخه شوال ۱۲۶۶، به مشیر-الدوله نوشت که برای آبادانی خطه خوزستان، اهتمام لازم خواهیم نمود. در نامه دیگری، مورخه ربیع الثانی همان سال، در پاسخ مشیرالدوله، به لزوم تعمیر محمره، بند حویزه، و نهر، الوحدی اشاره می‌شود. همچنین پل هفت چشمه شوشتر از نوبنیان یافت و ساخته شد. سد و زراعت نیل در خوزستان توسعه یافت. (راوندی، ۱۳۸۲: ۱۷۵/۳)

صنایع شوشتر در دوره قاجار

یکی نسج فرش‌های نازک قرمز و شکری. در این اواخر گویا با جوهر فرنگی کار می‌کردند. شهر شوشتر و دزفول هر دو کثیف‌اند. و شوشتر بیست هزار. دیگر از صنایع منسوجه شوشتر نسج دیبا است از قلب این گیاه هنوز در بیابان‌های اطراف و راه آب بید می‌روید، ولی فایده‌ای نمی‌برند جز آنکه با پشم ترکیب می‌کنند برای مالیدن کلاه نمد. (نجم الدوله، ۱۳۸۶: ۸۲؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۱/۶۹۴) از تجارت‌های معتبر شهر شوشتر ساختن نیل است که به اطراف حتی به هندوستان حمل می‌شده



است. تجارت عمده دیگر به سمت هندوستان و عربستان و سایر بلاد ایران از خوزستان حمل شکر بوده غله و سایر زراعت‌های شوشتر خوب است و شلتوک یک من هشتاد من ریع می‌آورد و میوه‌های سردسیری در آن کمیاب و از دزفول مرکبات بدین شهر حمل می‌نمایند و از بصره خرما می‌آورند. از صنایع قدیم شوشتر یکی دیبای شوشتری بوده که آن پارچه هنوز وصف اشتها دارد. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۶۹۵/۲)

امتیاز کشتیرانی در کارون و پیامدهای آن در شوشتر

ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۶ قمری (۱۸۸۸ میلادی) امتیاز کشتی‌رانی در حوضه سفلی رود کارون را به کمپانی برادران لینچ واگذاشت. در عهدنامه ترکمانچای در مورد اتباع روسیه پیش‌بینی شده بود که برای سکونت خود و تأسیس تجارتخانه و انبار کالا و امثال آن‌ها حق دارند زمین و ساختمان بخرند و یا اجاره کنند و این امتیاز در کلیه معاهداتی که پس از عقد معاهده ترکمانچای بین ایران و انگلیس و سایر ممالک اروپایی بسته شد، منظور گردید. اما در مورد امتیاز کشتی‌رانی کارون، طبق فرمان و قرارداد مربوط به آن، بنای هرگونه ساختمان و انبار ذغال‌سنگ و کالا و دکان و کاروانسرا و یا کارگاه‌ها و کارخانجات در دو کرانه رود کارون به وسیله کمپانی لینچ ممنوع شده بود. این امتیاز برای کمپانی لینچ سود کافی دربر نداشت و نیز به عقیده این دسته از نویسندگان، شیوخ و سران عشایر بنی کعب ایران در راه اقدامات و حفظ امتیاز خود مبالغه‌نگفتی به کیسه شخص شاه بریزد. (شمیم، ۱۳۸۷: ۳۲۰-۲۳۱)

با واگذاری امتیاز کشتیرانی به انگلستان، کمپانی لنچ شروع به کار کرد. بناهای معتبری در شهر اهواز (ناصری) ساخته‌اند. کمپانی «لنچ» و کمپانی «هوتس»، که تبعه «انگلیس» هستند، هردو «دستگاه» معتبری دارند. هرکدام به وضع بناهای فرنگی ساخته شده،



خانه «لنج» مال «نظام السلطنه» و خانه «هوتس» متعلق به «معین التجار» است. اهالی «شوشتر» و «دزفول» و غیره هم خانه‌های خوب از سنگ ساخته‌اند. اگر خشکسالی نشود، در قلیل مدت، (ناصری) بندر معتبری خواهد شد. «بندر ناصری» را اگر مقرر حکومت عربستان قرار بدهند، چون در مرکز ولایت واقع شده، مناسب و قابل است، و خیلی زود «بندر» و «شهر» معتبری خواهد شد. (سفرنامه‌های خطی فارسی، ۱۳۸۸: ۸۰/ ۴)

نظام السلطنه مافی درباره شروع به کار کمپانی لنج گزارش‌های مستندی ارائه می‌دهد: «روزی که اعلان افتتاح شط کارون شد، به فاصله بیست روز مستر تیلر انگلیسی وکیل تجارت لنج با کشتی خودشان آمده بود به اهواز. از آنجا هم مالی از اعراب کرایه کرده و از راه خشکی آمد به شوشتر، با ملأ محمد نام مترجم عربی، که در خانه آقا سید باقر که از احفاد سید نعمت الله جزایری است و جزئی تجارتی در بمبئی داشته‌اند و به بصره هم آمد و شد می‌کرد، از جانب کلنل رأس قونسول انگلیسی که است کار ترجمه صحبت‌ها را برعهده داشت. شرایطی که من نظام السلطنه مافی به کمپانی لنج داده بود. به او گفتم، به خط و امضاء او در جزو نوشتجات خوزستان است؛ از جمله هرچه بنا در خاک خوزستان بخواهند، نقشه بدهند من بسازم و از قرار ده یک و نیم کرایه بدهند. دیگر آن‌که هرچه نوکر نگه می‌دارند، به امضای من باشد... تجارتخانه با هرکه اعم از اعراب صحرا یا اهالی شهر، هر معامله‌ای که می‌کند، به اطلاع و امضاء حکومت باشد. ملک مستقل به بیع قطعی و شرطی از هیچ‌یک از اهالی نپذیرند. (نظام السلطنه مافی، ۱۳۶۳: ۱/۱۶۳-۱۶۲)

کشتیرانی در رود گرگر

در سال ۱۳۰۶ هـ. ق کشتیرانی در کارون پایین آزاد گردیده برادران لنج و دیگر اروپاییان کشتی‌های خود را در آنجا به کار انداختند و چون مال بازرگانی فراوان به

آنجا می‌آوردند. بازرگانان از شوشتر و دزفول و دیگر شهرها به آنجا شتافتند و هر یکی خانه یا کوشکی برای خود بنیاد نهاد. در این میان حاج معین بوشهری که از شاه اجازه کشتیرانی در کارون بالا گرفته بود در بند ناصری بازار و کاروانسرای ساخت و برای آنکه بردن بارها کشتی‌ها از این سوی کمره سنگی به کشتی‌های آن سوی آسان باشد خط آهنی کشیده و آگون اسب راه انداخت.

در این زمان‌ها در شوشتر بازار اغتشاش سخت گرم بوده گردن‌کشان محله‌های شهر را در میان خود بخش کرده هر محله از آن یک «آغایی» بود که پیرامونی گردد سرداشت و دیوانخانه برای رسیدگی به کارهای مردم در هر محله برپا بود و هر زمان که فرصتی به دست می‌آوردند بی‌درنگ آتش جنگ و خونریزی را در میان محله‌ها گرم ساخته پیش از هر کاری دست به تاراج خانه‌ها و بازارها می‌گشادند و این بود که ایمنی از این شهرها رخت بر بسته بود بویژه بازرگانان و توانگران که همیشه بر جان و مال خود بیمناک می‌زیستند. نظام السلطنه این گردن‌کشان را سرکوفته و گردن شکسته بود لیکن (کسروی، ۱۳۸۴: ۲۳۳-۲۳۲) پس از رفتن او بار دیگر جانی گرفته و به کار آغاز کرده بودند این خود یکی از علت‌های آبادی ناصری گردید. زیرا بازرگانان شوشتر و دزفول از آن شهرها کوچیده در اینجا نشیمن گرفتند. بدینسان ناصری در اندک زمانی شهر گردید.

شوشتر در دوره مظفرالدین شاه

در زمان مظفرالدین شاه خوزستان اوضاع بدی داشت. زیرا از یک سوی شیخ خزعل دست به هر کاری می‌زد و می‌کوشید که روزبه‌روز نیروی خود را بیشتر گرداند. از سوی دیگر خان‌های بختیاری که زمستان‌ها به خوزستان ما آمدند آزار از مردم دریغ نگفته هرگونه دست‌اندازی به زمین‌های مردم می‌نمودند. در این درگیری‌ها بیشتر دو تیرگی حیدری و نعمتی دستاویز بود و ریاست نعمتی‌خانه با خانواده کلانتر و



پیشوای حیدری خانه با خاندان مرعشی بود. چنانکه یکبار چنین رویداد که سید باقر خان کلانتر با همدستی همه آقایان نعمتی خانه به جنگ محمد زمان خان مرعشی و آقایان حیدری خانه برخاسته و از هر سوی گرد ایشان را فراگرفتند چنانکه دسترس به آب نیز نداشتند این کشاکش یک ماه بیشتر کشیده بسی مردم بی‌گناه نابود گردیدند. تا آنجا که شیخ خزعل خان به یاری محمد زمان خان برخاسته دسته‌ای از اعراب را به شوشتر فرستاد. سید باقر خان کلانتر تاب ایستادگی نیاورده. (کسروی، ۱۳۸۴: ۲۴۲) از شهر بگریخت و چون دلبستگی به بختیاری‌ها داشت نزد آنان رفت. پس از مدتی دوباره به شوشتر بازگشت. این وضعیت، تا آخر پادشاهی مظفرالدین شاه پایدار بود. چه خون‌هایی که در آن آشوب‌ها ریخته شد، چه خانه‌هایی که ویران گردیده است. چنانکه بسیاری از بازرگانان آن شهر خانه‌های خود را به ناصری (اهواز) بردند. (کسروی، ۱۳۸۴: ۲۴۳-۲۴۴)

نفت و پیامدهای امتیاز نفت در شوشتر

در ۲۸ ماه مه ۱۹۰۱ دولت ایران زیر فشار سفیر انگلیس، گ. د. ولف به یکی از اتباع بریتانیا به نام و. ن. دارسی امتیاز انحصاری بهره‌برداری از معادن نفت در سرتاسر ایران به استثنای ۵ استان شمالی را داد. پس از آن به سال ۱۹۰۸ میلادی ناحیه میدان-نفتون در جنوب خاوری شوشتر ذخایر عظیمی از نفت کشف شد، در آوریل ۱۹۰۹ م بر مبنای امتیاز دارسی در لندن شرکت نفت انگلیس و ایران تشکیل گردید. (گرانوسکی، ۱۳۵۹: ۳۶۳) در میان دولت‌های خارجی دیگر از لحاظ صدور سرمایه به ایران انگلستان مقام اول را داشت. پیش از امتیاز انگلیسیان مردم خوزستان بویژه شوشتریان از نفت‌هایی که خود به خود از زمین بالا می‌زد بهره‌یاب بوده آن را در خیک‌ها گرد آورده به کار می‌بردند. نیز قیر یکی از محصولات خوزستان بود که از آن چشمه‌ها بدست می‌آمد و دولت سالیانه دو هزار تومان مالیات آن چشمه‌ها را می‌گرفت. (کازاما،



۱۳۸۰: ۱۲۰) محل دیگری که نفت داده است در بیست و و چهار میلی ویس در ساحل کارون است و بنی داود در چهل و پنج میلی جنوب شرقی شوشتر. در آنجا شش گودال کم عمق در مسیر نهری است که یکی از آن‌ها فعلاً محصول نفت دارد و روزانه سی و چهار گالن نفت سفید تولید می‌کند که بدون تصفیه در چراغ بکار می‌برند و در بازارهای شوشتر و اصفهان و تهران فروخته می‌شود و آن در اجاره یکی از متنفذین شوشتر است. دسته دوم چاه نفت هفت در هیجده فرسخی سمت شمالی شوشتر بالاتر از جلگه عقیلی کارون است. این چاه‌ها که در دست سادات شوشتری «قیری - سادات تلغری» است روزانه سی گالن نفت سبز سیررنگ محصول می‌دهد که اعراب آنرا برای ضمامد زخم شتر بکار می‌برند. (کرزن، ۱۳۸۰: ۲/۶۲۰-۶۱۹)

در تذکره شوشتر می‌نگارد که چون نادر شاه در سال ۱۱۴۴ در عراق به جنگ عثمانیان می‌رفت به ابوالفتح خان فرمان فرستاد که از معدن‌های قیر در نزدیکی شوشتر قیر برای ساختن کشتی‌ها به عراق بفرستد. باری در سال ۱۳۱۹ (۱۹۰۱ میلادی) مستر داری نامی از انگلیسیان استرالیا امتیاز برآوردن نفت در سراسر ایران (بجز آذربایجان و گیلان و مازندران و استرآباد و خراسان) از مظفرالدین شاه گرفت که بیست هزار لیره نقد پرداخته و به همان اندازه سهم شرکت برای دولت ایران بسپارد و گذشته از آن‌ها از نفع خرج در رفته صدی شش بهره ایران باشد و مدت امتیاز شصت سال است. شرکت نفت انگلیس و ایران را برپا نمودند که آن زمان سرمایه بیش از دو میلیون لیره نداشت ولی در سال ۱۹۱۴ دولت انگلیس نیز از سهام شرکت خریده دو میلیون لیره دیگر بر سرمایه آن افزوده گردید پس از سپری شدن جنگ بزرگ اروپا باز بر سرمایه شرکت افزوده آن را بر بیست میلیون لیره رسانیدند که پنج میلیون لیره آن سهم دولت انگلیس می‌باشد. (کسروی ۱۳۸۴: ۲۴۱)



تقاضای ساخت سد روی رود کارون از طرف اهالی شوشتر

علما و اهالی شوشتر برای احداث سد بر رود کارون که موجب آبادی منطقه می‌شد تقاضاهایی به مجلس شورای ملی فرستادند. مجلس نیز برای پی‌گیری، تقاضاهای یادشده را به وزارت فواید عامه ارجاع داد و در نهایت مقرر شد هیأتی مرکب از سه نفر نمایندگان مجلس شورای ملی و چند نفر از آگاهان در وزارت فواید عامه تشکیل شده نظرات خود را اطلاع دهند. (فراهانی، ۱۳۸۵: ۱۹۲/۲)

فعالیت‌های واسموس جاسوس آلمانی در شوشتر

در آغاز جنگ جهانی اول احساسات مردم ایران موافق با آلمان بود و امیدوار بودند که با کمک این دولت نیرومند که با دولت‌های استعماری وارد جنگ شده بود، بتوانند خود را از شر مداخلات روسیه و انگلستان نجات دهند. دولت ایران سعی می‌کرد بی‌طرفی خود را به هر قیمتی شده حفظ و از بروز اینگونه احساسات طرفدار آلمان جلوگیری نماید. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۸: ۳۴۵) در میان وکلا و مأمورین آلمان در ایران واسموس فوق‌العاده زبردست بود و بیش از همه توانست در کار خود موفقیت حاصل نماید. در چند سال قبل از جنگ او در بوشهر قنصل بود وقتی که جنگ بزرگ «اول جهانی» شروع شد واسموس به مرخصی رفته بود ولی او در ژانویه ۱۹۱۵ با یک دسته کوچک آلمانی و هندی‌های شورش طلب در شوشتر دوباره ظاهر شد. واسموس برای تبلیغات ضد انگلیسی مثل ریک پول خرج می‌کرد. (سایکس، ۱۳۸۰: ۶۲۴/۲-۶۲۳) چند نفر از سکنه محل توانستند لوله‌های نفت بین شوشتر و آبادان را خراب کنند و خسارت قابل توجهی به انگلیس‌ها وارد سازند. (سپهر، ۱۳۳۶: ۶۰) واسموس در لباس عشایر ایرانی فرمانده قوای اعزامی انگلستان سرپرستی کاکس با واسموس از زمانی که در بوشهر بود آشنائی داشت. واسموس از راه لرستان و پشتکوه به فارس می‌رفت که کمتر در انظار جلب توجه کند. بدین ترتیب از گردنه‌های صعب العبور



از جنوب لرستان گذشته و از راه بیابان وارد دزفول شد. تماس مختصر او با خوانین بختیاری پشتکوه لطمه بزرگی به حسن رابطه آنان با انگلیس‌ها وارد ساخت، بطوری‌که اغلب آن‌ها دوستی‌دیرینه انگلستان را فراموش کردند. استدلال واسموس بیش از هرکس در بی‌بی‌مریم و ابراهیم خان ضرغام السلطنه و فتحعلی خان بختیار سردار معظم مؤثر افتاد و سردار معظم علناً بر علیه متفقین قیام و در جنگ‌های مهاجرت مشارکت نمود. در شوشتر انگلیس‌ها از ورود واسموس اطلاع حاصل کرده و عده از نظامیان خود را برای دستگیری او گسیل داشتند و دور منزل او را احاطه کردند اما منزل را خالی دیدند و واسموس به بهبهان رفته و مرغ زیرک بدام نیفتاده بود. (سپهر، ۱۳۳۶: ۷۵)

انگلیسی‌ها در شوشتر

انگلیسیان چون ترکان را از خوزستان بیرون کردند و در عراق هم پیشرفت بسیاری کردند، رشته اختیار سراسر خوزستان را به دست گرفته‌اند. در هر یک از شوشتر و دزفول اداره سیاسی یا قونسولخانه برپا کرده قونسولی به همراهی یکدسته از سپاه نشیمن دادند و در این دو شهر عدلیه باز نمودند و در همه‌جا اداره‌های پست و تلگراف را به دست گرفته از کسان خود به سرپرستی آن‌ها برگماردند. از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۹ هـ. ق پایدار بود که اگرچه گاهی کسی را بنام «حکمران خوزستان» از تهران روانه می‌ساختند ولی خود سررشته همه کارها در دست گماشتگان انگلیس و شیخ خزعل و کسان او بود قونسول چه در شوشتر و چه در دزفول دارای همه‌گونه اختیار و توانایی بود و بر عشایر بیرون نیز فرمان می‌راند در کارهای عدلیه نیز نخست بایستی شکایت به قونسول بشود و او برای رسیدگی به عدلیه بفرستد. (کسروی، ۱۳۸۴: ۲۵۶)

یکی از کارهای انگلیسیان در این سال‌ها بستن پل آهنی بند قیر بود. از حادثه‌های شوشتر در زمان انگلیسیان یکی کشته شدن آقا شیخ مرتضی مجتهد و دیگری کشته



شدن حاج سید عبد الله امام جمعه است. آقای شیخ مرتضی به دشمنی انگلیس برخاسته مردم را بر ایشان می‌آغاییده تا در سال ۱۳۳۵ شبی به دست کسان ناشناسی کشته می‌شود؛ اما حاجی سید عبدالله که از خاندان سادات جزایری و از پیشوایان علمای شوشتر بوده رئیس عدلیه شوشتر بودند. روزی هنگامی که در جلو خان خانه خود نشسته و چند تن از کسانش با او بودند. ناگهان چندتن اوباش از گوشه‌ای درآمده با شلیک طپانچه او را از پای درمی‌آورند در این هنگام قونسول انگلیس به دزفول رفته بوده برخی آغاوات بویژه کلانتریان فرصت به دست آورده می‌خواهند بازار فتنه را که از زمان درآمده انگلیسیان از گرمی افتاده بود بار دیگر گرم گردانند و این است که که پیش‌آمد را دست‌آویز ساخته به شورش برمی‌خیزند. قونسول از شنیدن خبر بزودی به شوشتر آمده به خوابانیدن فتنه می‌کوشد و یکی دو تن از کلانتریان را با سید رضا نامی از آقایان دیگر که بیش از دیگران شورش کرده بودند گرفته به دار می‌کشد. چون اینان به شوشتر درآمدند هر یکی در محله خود تفنگچی گرد آورده درهای دیوانخاهای کهن را باز نمودند و کم‌کم به ادارات پیچیدگی نمودند. (کسروی، ۱۳۸۴: ۲۵۸)

نتیجه‌گیری

شوشتر در دوره قاجاریه، از نظر امنیت و رفاه اجتماعی، وضعیت مطلوبی نداشته است. بیماری‌های واگیردار همچون طاعون و وبا و... باعث مهاجرت بیش از پیش اهالی این شهر به سایر شهرهای ایران و کشورهای هندوستان و عراق و... گردید. در دوران حکمرانی میرزا دولت‌شاه قاجار اقدامات عمرانی در شوشتر صورت گرفته بود. در دوران کوتاه زمامداری امیرکبیر، از برکت امنیت اجتماعی و حمایت دولت از کشاورزان و از بین رفتن آیین مالیات‌های اضافی، وضع کشاورزان بهبود یافت. ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۶ قمری (۱۸۸۸ میلادی) امتیاز کشتی‌رانی در حوضه



سفلاهی رود کارون را به کمپانی برادران لینچ واگذاشت. این امتیاز اثرات بسیاری در شوشتر گذاشت. در دوره مظفرالدین شاه، شوشتر از نظر اوضاع اجتماعی و فرهنگی وضعیت مطلوبی نداشت. امتیاز نفت که به داری و واگذار گردید. بیشترین تأثیرات را در اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شوشتر گذاشت. درگیری‌های حیدری-نعمتی در شوشتر یکی از علت‌های پسرفت شوشتر محسوب می‌گردد.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۷). **تاریخ ایران بین دو انقلاب**، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران: مرکز.
- _____ (۱۳۸۹). **تاریخ ایران مدرن**، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی.
- افشار، حسنعلی خان (۱۳۸۲). **سفرنامه لرستان و خوزستان**، تصحیح حمیدرضا دالوند، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امام اهوازی، محمدعلی (۱۳۷۹). **تاریخ خوزستان**، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- امام شوشتری، محمدعلی (۱۳۳۱). **تاریخ جغرافیای خوزستان**، تهران: امیرکبیر.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی (۱۳۶۷). **مرآة البلدان**، تصحیح عبدالحسین نوایی و هاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷). **تاریخ منتظم ناصری**، تهران: دنیای کتاب.
- دُوبد، کلمنت (۱۳۷۱). **سفرنامه لرستان و خوزستان**، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: علمی و فرهنگی.



- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نگاه.
- جزایری شوشتری، سیدعبدالله (۱۳۸۸). تذکره شوشتر، مقدمه و تصحیح مهدی کدخدایی طراحی، اهواز: تراوا.
- لایارد، هنری (۱۳۶۷). سفرنامه، مترجم مهتاب امیری، تهران: وحید.
- سایکس، سر پرسبی (۱۳۸۰). تاریخ ایران، ترجمه سید محمد تقی فخرداعی گیلانی، تهران: افسون.
- سپهر، احمدعلی (۱۳۳۶). ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴، تهران: بی نا.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۸۷). ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: بهزاد.
- شوشتری مرعشی الحسینی، علاءالملک (۱۳۵۲). فردوس در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال الدین ارموی محدث، تهران: چاپخانه بهمن.
- شوشتری، میرعبداللطیف خان (۱۳۶۳). تحفه العالم، به اهتمام صمد موحد، تهران: کتابخانه طهوری
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۴). چهل سال تاریخ ایران، تصحیح ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- کازاما، آکی یو (۱۳۸۰). سفرنامه کازاما، ترجمه هاشم رجب زاده، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کروسینسکی (۱۳۶۹). ده سفرنامه، ترجمه مهتاب امیری، تهران: وحید
- کسروی، احمد (۱۳۸۳). تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیر کبیر.
- _____ (۱۳۸۴). تاریخ پانصد ساله خوزستان، تهران: دنیای کتاب.
- _____ (بی تا). ده سال در عدلیه، بی نا: بی جا.

- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰). **ایران و قضیه ایران**، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- گرانوسکی، آ. آ. و دیگران (۱۳۵۹). **تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز**، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران: پویش.
- فوران، جان (۱۳۸۸). **مقاومت شکننده** (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- فراهانی، حسن (۱۳۸۵). **روزشمار تاریخ معاصر ایران**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- علوی شیرازی، محمد هادی (۱۳۶۳). **سفرنامه میرزا ابو الحسن خان شیرازی**، تهران: دنیای کتاب.
- ناصر الدین شاه قاجار (۱۳۶۲). **سفرنامه عراق عجم**، تهران: تیرازه.
- ناشناس (۱۳۸۸). **سفرنامه‌های خطی فارسی**، تهران: اختران.
- نظام السلطنه مافی، حسین قلی خان (۱۳۶۲). **خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی**، تصحیح معصومه مافی و منصوره اتحادیه و سیروس سعدونیان و حمید رام پیشه، تهران: نشر تاریخ ایران.
- نجم الدوله، عبد الغفار بن علی محمد (۱۳۸۶). **سفرنامه دوم نجم الدوله به خوزستان**، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- والی زاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۰). **تاریخ لرستان روزگار قاجار**، تهران: حروفیه.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۸). **تاریخ روابط خارجی ایران**، تهران: امیرکبیر.



تاریخنامه خوارزمی - فصلنامه علمی - تخصصی - سال سوم، زمستان ۱۳۹۴